

یک روز با ابوعلی سینا

۹

۱۵۸

کوله بيشته

۱۴۰۲ ۰۶ ۰۱

ضمیمه رایگان روزنامه شهریار
پروژه کودکان و نوجوانان مشهد
شماره ۴۰۹ روزنامه شهریار
آشنایی

با قرآن در کارهایم
موفق تر هستیم

۱۲

قبل از ورزش
حتما نرمش کنید

۱



اول نرمش بعد ورزش



فهرست

- اول نرمش، بعد ورزش ۱۱
- یک جمله ۲
- جامدای زیبا ۳
- یک کیمک کوچولو ۴
- نجات جنگل ۶
- گر داب سکندر ۷
- خانواده‌ی پاکنده ۸
- زنگ ابوعلی سینا ۹
- قاب کودکی ۱۰
- توپ معلق ۱۱
- با قرآن در کارهایم موفق تر هستیم ۱۲
- مشهد و یک خاطره خوب ۱۴
- جدول انگلیسی ۱۶

صاحب امتیاز:
شهر داری مشهد
مدیر مسئول:
سید میثم موسوی مهر
سر دبیر:
سید سجّاد طلوع هاشمی
دبیر ضمیمه:
ارژنگ حاتمی
دبیر کوله پشتی:
طیبه سادات ثابت
گرافیک و صفحه آرایی:
ملک جمعی

پست الکترونیک:
sabet@shahrara.com
نشانی سایت:
shahraranews.ir/fa/kids
ایتای روزنامه: ۰۶۰-۵۴۶۵۸۰۹۰
نشانی: میدان شهدا، نیش دانشگاه ۱
دفتر مرکزی: ۵-۳۷۲۸۸۸۸۱-۳۷۲۸۸۸۸۱
توزیع و امور مشترکین:
۵-۳۷۲۸۸۸۸۱-۰۵۱
داخلی ۵۱۹ و ۵۲۰

را نخوانده بودم رفته بود و با علاقه بازوهایش را کش می‌آورد. من و سعید از اینکه می‌دیدیم او از خانه بیرون آمده بود و داشت ورزش می‌کرد خیلی خوش حال بودیم. گفتم: «هر کسی که زودتر به حوض فواره دار برسد، برنده است. ما دو دور، دور باغچه زدیم و هر دو بار با هم رسیدیم اما خوش حالی مان زیاد طول نکشید. چون بابا بزرگ را دیدیم که روی نیمکت نزدیک وسایل ورزشی دستش را با دست دیگرش فشار می‌داد و می‌گفت: «وای! خدایا! چقدر اشتباه کردم که بالای آن دستگاه رفتم! کمرم حساسی درد گرفته است.» آرام آرام به خانه برگشتیم. توی راه چند نفر را دیدیم که داشتند دور پارک می‌دویدند. یکی از آن‌ها که حال بابا بزرگ را دید گفت: «سلام باباجان، حتما نرمش نکرده، با بدن سرد از یک دستگاه استفاده کردید. زود برید دوش آب گرم بگیرید، خوب می‌شید.» مرد ورزشکار در حالی که از ما دور می‌شد ادامه داد: «قبل از استفاده از وسایل، حتما روش استفاده را بخوانید.»

بعد از نام و یاد خدای بخشنده و مهربان، سلامی به زیبایی فصل تابستان به همه‌ی شما خوبان و خوانندگان همیشگی کوله‌پشتی. امیدواریم خوب و تندرست باشید و همیشه با انجام ورزش مناسب، و درست، مراقب سلامتی خود باشید. بچه‌های عزیز، هیچ می‌دانید ورزش کردن هم برای خودش نکته‌هایی مهم و کلیدی دارد؟ اگر آن‌ها را ندانیم یا کسی به ما نگوید، ممکن است از انجام حرکات ورزشی نادرست و غیر اصولی آسیب ببینیم و از هرچه ورزش دلزده و فراری شویم! حتما می‌پرسید چرا. الان برایتان تعریف می‌کنم دیروز چه اتفاقی افتاد.

از زمانی که شنیدیم در پارک نزدیک خانه وسایل ورزشی نصب کرده‌اند خیلی خوش حال شدیم. من و سعید تصمیم گرفتیم بابا بزرگ را شگفت زده کنیم. برای همین، دنبال اورتیم و پیشنهاد دادیم برویم و از نزدیک ببینیم چه وسایلی در پارک نصب کرده‌اند. در کنار هر دستگاه ورزشی، مشخصات و روش استفاده از آن نوشته شده بود. بعضی از وسایل را نمی‌شناختم. کنار هر وسیله تابلوی مشخصات را می‌خواندم و از کنار هر کدام با سرعت رد می‌شدم. بارفیکس، دستگاه گام‌زن، دستگاه پاندول، دستگاه مسگری و.... بابا بزرگ روی یک وسیله‌ی ورزشی که مشخصاتش





یک جمله

کارش گرفته طوطی
باید خودت ببینی
چون هست جمله اش این
بابا تو بهترینی

هر بار می زند حرف
پاداش و هدیه دارد
بابای کنار ظرفش
آجیل می گذارد

یک جمله یاد داده
بابا به طوطی ما
تکرار می کندهی
طوطی همیشه آن را





جامدادی زیبا

چه طوری درست کنیم؟

گاهی یک جامدادی کمک بسیاری به ما می‌کند تا هنگام کار یا درس خواندن یا انجام تکالیف هنری، منظم و مرتب باشیم.



طاهره عرفانی

اگر بدانید با کمی کاموا و نخ‌های گونی اضافه و قوطی خالی رب می‌توانید یک جامدادی زیبا درست کنید، هیجان زده می‌شوید. دست به کار شوید! ابتدا ته قوطی رب را با یک تکه گونی بچسبانید. سپس با دور دادن نخ گونی به دور بدنه قوطی رب، همه‌ی سطح آن را بپوشانید. بعد از این مرحله، لبه‌ی قوطی خالی را با تور یا روبان تزئین کنید. با نخ کاموا، مطابق شکل، شما می‌توانید آویزهایی کاموایی درست کنید. نخ‌ی را از میان آویزها عبور دهید و دور جامدادی بچسبانید. حالا یک جامدادی بسیار زیبا دارید که خودتان آن را ساخته‌اید.

چی لازم داریم؟

۱. قیچی

۲. چسب مایع

۳. خرده کاموای رنگی

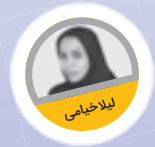
۴. تور یا روبان‌ها باطله

۵. قوطی خالی رب

۶. نخ گونی، گونی



یک کمک کوچولو



برگشت. ماشین های توی تعمیرگاه، همه، از این موضوع ناراحت شدند. نیسان آبی گفت: «نکند دیگر حالش خوب نشود! آن وقت چه کسی ما را تعمیر می کند؟!» مینی بوس سفید گفت: «زبان تو را گاز بگیر! این چه حرفی است می زنی؟ خیلی زود حالش خوب می شود.» بعد فکری کرد و ادامه داد: «او همیشه به ما کمک می کند. بد نیست ما هم به او یک کمک کوچولو کنیم.» موتور سبز مسابقه گفت: «وقتی یکی مریض می شود، آدم ها برایش سوپ می پزند. بد نیست ما هم برای آقای تعمیرکار سوپ بپزیم.» تاکسی زرد گفت: «چه جوری؟ ماکه بلد نیستیم سوپ بپزیم! تازه، اگر هم بلد باشیم، آدرس خانه ی آقای راننده را نداریم. چه جوری سوپ را برایش بپزیم؟!» نیسان آبی فکری کرد و گفت: «نگران نباشید! خانم آقای راننده برایش سوپ می پزد. من چند بار از آقای راننده شنیدم که

وقتی یکی کمکت می کند، دلت می خواهد مهربانی اش را جبران کنی. دلت می خواهد تو هم یک جوری به او کمک کنی. ماشین های تعمیرگاه هم توی همین فکر بودند. آقای تعمیرکار یک تعمیرگاه کوچک داشت. توی تعمیرگاهش ماشین ها را تعمیر می کرد. ترمز یکی را درست می کرد، موتور یکی را تعمیر می کرد و روغن یکی را عوض می کرد. ماشین ها از اینکه به تعمیرگاه آقای تعمیرکار می آمدند خوش حال بودند. همیشه تعمیرگاه او حالشان را خوب می کرد. یک روز آقای تعمیرکار مریض شد. بدجوری سرما خورده بود. وقتی به تعمیرگاه آمد، حالش هیچ خوب نبود. برای همین، خیلی زود مغازه را تعطیل کرد و به خانه اش



هر کسی بوده دستش درد نکند! گل کاشته!« بعد هم با عجله مشغول کار شد چون حسابی سرحال بود. هم حالش خوب بود، هم مغازه‌اش تمیز بود. آقای تعمیرکار تند و تند کار می‌کرد و ماشین‌ها را تعمیر می‌کرد و ماشین‌ها آهسته به هم لبخند می‌زدند و خوش‌حال بودند. خوش‌حال بودند که توانسته بودند یک جوری به آقای تعمیرکار کمک کنند.

از آشپزی خانمش تعریف می‌کرد. حتما سوپ‌های خوش‌مزه‌ای هم می‌پزد. بهتر است ما به جای سوپ پختن، تعمیرگاه را برایش کمی تمیز کنیم تا وقتی برگشت خوش‌حال شود.» همه با این فکر موافق بودند. برای همین، خیلی زود دست به کار شدند و مشغول تمیزکاری تعمیرگاه شدند. کار راحتی نبود. همه جابجایی و روغنی و کثیف بود. ماشین‌ها هم خیلی تمیزکاری بلد نبودند. اما آن‌ها وقت کافی داشتند چون آقای تعمیرکار سه روز سرکار نیامد. بالاخره روز چهارم، آقای تعمیرکار از راه رسید و کرکری مغازه را بالا کشید.

خیلی عجیب بود! مغازه تمیز بود، مثل دسته‌ی گل. آقای تعمیرکار با دیدن مغازه حسابی ذوق کرد و گفت: «کار



تصویرگر: زهره اقطاعی



نجات جنگل



علیرضا رافعی نیا

در بازی این هفته قرار است به سراغ مأموریتی مهم برویم. جنگل‌های سرسبز در شعله‌های آتش می‌سوزند و شما در نقش خلبانی ماهر، باید هواپیمای مخصوص خود را از آب رودخانه پر کنید، سپس آب را روی نقاطی از جنگل که آتش گرفته بریزید. البته انجام این کار به همین سادگی‌ها هم نیست. در مسیر، با مشکل‌های مختلفی روبه‌رو خواهید شد که باید از پس آن‌ها بربیایید. اولین بخش بازی شامل مراحل تک‌نفره است. در این مراحل، باید ابتدا در هر مکان یک باند فرودگاه بسازید، سپس مشغول کار شوید. هزینه‌ی ساخت فرودگاه زیاد نیست و شما به سادگی و با استفاده از صندوقچه‌هایی که در طول بازی به دست می‌آورید، می‌توانید هزینه‌های لازم برای ساختشان را بپردازید.

هر مکان پنج مرحله دارد که به مرور سخت‌تر می‌شود. سخت‌تر شدن یعنی پستی و بلندی‌های زمین بیشتر می‌شود. همین مسئله، پر کردن مخزن در چاله‌های آب یا پرتاب کردن بمب‌های آبی روی مناطق در حال سوختن را سخت‌تر می‌کند. بعضی وقت‌ها با توجه به موقعیت هر مکان مجبور هستید در محل‌های عجیب و غریبی مانند یک غار بزرگ پرواز کنید که طبیعتاً سخت‌تر از پرواز در محیط باز یک جنگل است.

در بخش دوم بازی، با یک مسیری انتهاروبه روهستید. در فاصله‌هایی مشخص فرودگاه‌هایی وجود دارد و میان آن‌ها نقاطی در حال سوختن هستند که باید آن‌ها را خاموش کنید. اگر موفق نشوید، آتش به مرور گسترده‌تر می‌شود و شما می‌بازید. پس پرتلاش باشید و خسته نشوید.

کد زیر را
اسکن
کنید، سوار
هواپیمایان
شوید و
به کمک
جنگل‌ها
بروید.



اسکن کنید





گرداب سکندر



هانیه وهابی

این داستان آموزنده و جذاب روایت زندگی خانواده‌ای است که در نزدیکی تنگه‌ی هرمز زندگی می‌کنند. آن‌ها بسیار فقیرند و ماهیگیری پدر کفاف مخارج زندگی‌شان را نمی‌دهد. برای همین، عبدا... که پسر ارشد خانواده است سعی دارد با کار در کشتی، به خانواده‌ی خود در تأمین مخارج زندگی کمک کند.

داستان به اینجا ختم نمی‌شود. با شیوع بیماری آبله، عبدا... پدر خود را از دست می‌دهد و خود نیز نابینا می‌شود. این اتفاق عبدا... را خانه‌نشین می‌کند اما فقر خانواده‌اش سبب می‌شود او بفهمد نباید دست از تلاش بردارد و باید به زندگی خود باید ادامه دهد.

عبدا... یقین دارد که می‌تواند پیشرفت کند. برای همین تصمیم می‌گیرد اوقاتش را به بطالت نگذراند و سعی کند تا آنجا که ممکن است هر آنچه راجع به دریا باید بداند کشف کند و این پدیده‌ی اسرارآمیز را بهتر بشناسد. این تصمیم عبدا... سبب می‌شود کم‌کم رازی را کشف کند که مسیر زندگی‌اش را دگرگون می‌کند، رازی که شاید هیچ دریانوردی تا آن روز به آن پی نبرده بود، راز چشیدن آب دریا. عبدا... سعی می‌کند هر چند ساعت در زمان حرکت کشتی، آب دریا را بچشد و طعم آن را به خاطر بسپارد. تکرار پیایی این کار عبدا... نهایتاً سبب شد او در هر نقطه از جهان که باشد، با چشیدن آب دریا بتواند حدس بزند که کجاست. از این قصه‌ی پندآموز یک اثر سینمایی و یک مجموعه‌ی سیزده قسمتی عروسکی تولید شده است که بسیار جذاب و درخور توجه است.



گرداب سکندر

نویسنده: محمدرضا سرشار

ناشر: انتشارات سوره‌ی مهر، ۱۳۹۷



معرفی انیمیشن

خانواده‌ی پاگنده

داستان این انیمیشن ماجرای پسری به نام آدام است که برای پیدا کردن پدر خود، راهی سفری پرفراز و نشیب می‌شود. در این سفر، به‌جز مادر آدام، تعدادی حیوان مثل چند راکون و پرنده نیز او را همراهی می‌کنند. این حیوانات به آدام و مادرش کمک می‌کنند پدر خود را پیدا کند. اگر علاقه‌مندید بدانید در این سفر چه اتفاقاتی می‌افتد تا پسرک پدر خود را پیدا کند، پیشنهاد می‌کنیم این انیمیشن را تماشا کنید. پاگنده یک موجود افسانه‌ای است. در انیمشین «پاگنده ۱» متوجه شدیم موجودات افسانه‌ای یعنی همان «پاگنده‌ها» وجود دارند. انیمیشن «پاگنده ۲» نیز ماجراهای جذاب پس از به شهرت رسیدن این خانواده را نشان می‌دهد. پدر خانواده قصد دارد از این شهرت خود بهره‌برد و محیط زیست را نجات دهد اما زمانی که با یک شرکت دشمن محیط زیست آشنا می‌شود، ناگهان ناپدید می‌شود و آدام با مشکلات فراوانی روبه‌رو می‌شود. از تماشای این انیمیشن یاد می‌گیرم محافظت از محیط زیست با ارزش است و اگر محیط زیست سالمی نداشته باشیم، زندگی برای خود و حیوانات را سخت می‌کنیم.



هستی
نیک‌صفتی



زمان:

۹۲ دقیقه

ژانر:

خانوادگی و ماجراجویی

کارگردان‌ها:

بن استاین و جرمی دگرسون

سال انتشار:

۲۰۲۰

نام انیمیشن:

خانواده‌ی پاگنده

یک روز با ابوعلی سینا

نمی‌شد فیلسوف و حکیم ایرانی، پدر علم پزشکی، رامی‌دیدیم. با دهان‌های باز از تعجب اورانگاه می‌کردیم که دوباره پرسید: «دوره‌ی فناوری و پیشرفت است اما می‌خواهم بدانم کدام یک از شما می‌توانید به سؤال من جواب درست بدهد. بچه‌ها گفتند: «اجازه استاد؟ شما به ما چه جایزه‌ای می‌دهید؟» ابوعلی سینا خندید و گفت: «جایزه‌ی من به شما یک خاطره‌ی خوب از دوران کودکی‌ام است»

شور و شوقی در بین ما به راه افتاده بود که سؤال او همه را به سکوت و فکر دعوت کرد: «چه کسی می‌تواند تاریخ و شهر تولد و کتاب‌های دیگر مرا بگوید؟» «دستم را بلند کردم و با افتخار گفتم: «استاد، ما می‌دانیم. شما اول شهریور ۳۵۹ شمسی در بخارا که آن زمان جزو ایران بود به دنیا آمده‌اید. اسم کتاب‌های شما «قانون»، «شفا» و «دانشنامه‌ی علایی» است. تازه، امروز را هم برای بزرگداشت شما، روز پزشک نام‌گذاری کرده‌اند. به دلیل مهارت شما در علوم مختلف مثل پزشکی، ریاضیات، ستاره‌شناسی، روان‌شناسی، جغرافیا، زمین‌شناسی، فیزیک، شیمی، شعر و ادبیات، منطق و موسیقی، شما را همه چیزدان می‌دانند.» ابوعلی سینا خندید و همه‌ی بچه‌ها دورش جمع شدیم تا برای ما یک خاطره‌ی خوب تعریف کند.

همه‌ی بچه‌های کلاس منتظر معلم بودیم که بیاید و جلسه‌ی دیگری از کلاس «نوشتن خلاق» را شروع کنیم. ناگهان مردی را با روپوش پزشکی به تن و دستاری سفید بر سر وارد شد. همه به احترام او ایستادیم. سلام کرد و از ما خواست خودمان را معرفی کنیم. سعید از او پرسید: «آقا اجازه، خودتان را معرفی نمی‌کنید؟» تازه وارد با مهربانی گفت: «ابوعلی حسین بن عبدا... بن حسن بن علی بن سینا هستم». باورمان

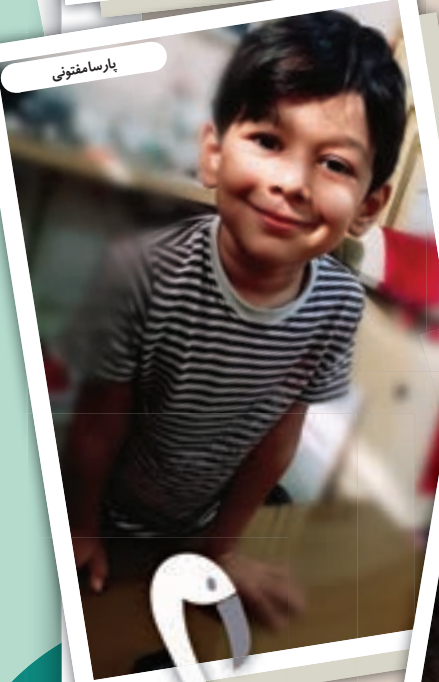




طوبی و همادهباشی دو خواهر مهربان



سید نازنین فاطمه و محمد طاها شیخی



پارسا مفتونی

قاب کودکی

بچه‌های عزیز تا هفته دیگر عکس‌های خود را با موضوع من و مراسم‌های به یادماندنی برای ما به شماره‌ی ابتدای ۹۰۵۴۶۵۸۰۶ بفرستید.



مهراد کریمی نژاد



توپ معلق

لذت انجام این آزمایش را از دست ندهید



مریم زهره حقیقی

وسایل مورد نیاز: توپ پینگ‌پنگ، سشوار، یک نفر برای همراهی و شریک شدن در هیجان آزمایش

عزیزان کاوشگر، آیا می‌دانید چرا وقتی در جاده‌ها، ماشین‌های سبک در حالت سبقت گرفتن از کامیون‌ها هستند به سمت کامیون‌ها کشیده می‌شوند؟ با انجام این آزمایش، دلیل علمی این مطلب را درک خواهید کرد.

سشوار را روشن کنید و دهانه‌ی آن را به سمت بالا بگیرید. بهتر است از تنظیم باد سرد سشوار استفاده کنید. [می‌توانید از یک نفر بزرگ‌تر از خودتان بخواهید هنگام انجام آزمایش، سشوار را برایتان نگه دارد. سپس با دقت زیاد، توپ پینگ‌پنگ را طوری روی جریان هوا قرار دهید که به حالت تعادل برسد و در هوا معلق بماند. حالا توپ را رها کنید. چه اتفاقی برای توپ می‌افتد؟

اگر بخواهید آهسته و با حرکت آرام سشوار، توپ را از جریان هوا خارج کنید، زمانی که نیمی از توپ به داخل جریان و نیمی دیگر آن خارج جریان قرار گرفت، به نظر می‌رسد توپ به داخل جریان هوا کشیده می‌شود!

در حالی که توپ در حال تعادل است، دست خود یا یک کاغذ را بالای توپ نگه دارید. چرخش توپ در حالت معلق بسیار دیدنی است! بیشتر بدانیم:

با افزایش سرعت هوا، فشار آن کم می‌شود. زمانی که اتومبیل در حال سبقت است، هوا در بین آن‌ها سرعت بیشتری دارد. در نتیجه، فشار بین اتومبیل‌ها کم می‌شود و اتومبیل‌ها به طرف یکدیگر کشیده می‌شوند. [فشار اطراف بیش از فشار بین اتومبیل‌ها خواهد شد و آن‌ها را به سمت یکدیگر هل می‌دهد.] به همین دلیل است که در ایستگاه‌های مترو، نواری زرد رنگ کشیده‌اند و مسافران هنگام عبور قطار تا قبل از ایستادن کامل آن، باید از خطر زرد فاصله بگیرند تا به سمت مترو کشیده نشوند.



گفتگو با حافظ کوچک قرآن:

با قرآن در کارهایم موفق‌تر هستم



ما آدم‌ها بیشتر عادت‌های زندگی خود را در دوران کودکی به دست می‌آوریم. بنابراین اگر از کودکی با قرآن انس بگیریم به یکی از عادت‌های خوب دست یافته‌ایم که از فرصت‌های طلایی در زندگی هر کسی است. سیدعلی علوی ۱۰ سال دارد و امسال دانش‌آموز کلاس پنجم در دبستان بشیر خواهد بود. او از وقتی که توانسته است بخواند شروع به حفظ قرآن کرده و با کمک و راهنمایی مادر مهریانش که او هم حافظ قرآن است، با کتاب خدا انس گرفته و اکنون صاحب مقام اوّل رشته‌ی حفظ قرآن در کشور است. با علی گفت‌گو کرده‌ایم که می‌خوانید.

قدم اوّل، حفظ قرآن برای نماز

نخستین سوره‌هایی که حفظ کردم حمد و توحید برای نماز خواندن بود. از هشت‌سالگی نماز می‌خوانم و دو سال است که روزه می‌گیرم. رمضان امسال توانستم هفده روز روزه بگیرم و امیدوارم در ماه رمضان بعدی بتوانم همه‌ی روزه‌هایم را بگیرم. تاکنون هم توانسته‌ام سوره‌های جزء ۳۰ و یک قرآن کریم را حفظ کنم.

برای حفظ قرآن، معمولاً از نرم‌افزار قرآنی بهره می‌برم و برای حفظ هر جزء بیش از یک و نیم ماه زمان صرف کرده‌ام. هم‌زمان با حفظ و قرائت قرآن، با معنی آیات هم آشنا می‌شوم که برایم لذّت‌بخش است. در نماز جماعت مسجد محلّه همراه مادرم شرکت می‌کنم و هر زمان مکتب مسجد حاضر نباشد، من این وظیفه را انجام می‌دهم. در مراسم مسجد یا روزهای عادی هم در پذیرایی سینی‌های چای با جمع کردن لیوان‌ها کمک می‌کنم.



احساس خوب نزدیکی به خدا

انس با قرآن و حفظ کلام... مجید برکات بسیار و احساس خوب آرامش و نزدیکی به خدا را برایم به دنبال داشته است ضمن اینکه توانسته‌ام در بیشتر مسابقات قرآن شرکت و رتبه‌ها و جوایز خوبی کسب کنم و در کارهایم موفق شوم به گونه‌ای که در اولین مسابقه‌ی بین‌المللی «کودکان مهاجرین و اتباع خارجی» در رشته‌ی قرائت ترتیل، حائز رتبه‌ی اول شدم. در دومین دوره‌ی مسابقات قرآن، عترت و نماز دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در رشته‌ی حفظ، مقام اول کشور را به دست آوردم. در مسابقات آموزش و پرورش هم در رشته‌ی حفظ جزء ۳۰ رتبه‌ی اول ناحیه را از آن خود کردم.

تأثیر قرآن در زندگی من

برای قرآن خواندن زمان خاصی ندارم. هر وقتی که بتوانم قرآن می‌خوانم زیرا ثواب زیادی دارد. حال دلم هم خوب می‌شود. البته تلاوت یا حفظ قرآن در ماه‌هایی مانند محرم و صفر یا رمضان تأثیر معنوی بالایی داشته و در مجموع، ارتباط با قرآن تأثیر عجیبی بر زندگی من دارد، به طوری که احساس می‌کنم به این دلیل در کارهایم موفق‌تر هستم. به ویژه در درس‌هایم که با لطف خدا، کمک‌های پدر و مادرم و دقت و تلاش خودم، همیشه جزو بهترین دانش‌آموزان بوده‌ام.

علاوه بر قرآن، علاقه‌ی فراوانی به فعالیت‌های علمی دارم. به کلاس انگلیسی می‌روم و در آموزش این زبان خیلی پیشرفت داشته‌ام. فوتبال را هم خیلی دوست دارم و گاهی در بازی‌های تیمی، همراه دوستانم شرکت می‌کنم. هم‌چنین قصد دارم در آینده یک حافظ بزرگ قرآن شوم و آرزو دارم در مسابقات بین‌المللی قرآن شرکت کنم.

یک خاطره ماندگار از عاشورا

تا به حال در مراسم عزاداری و روضه‌ی امام حسین (ع) زیاد شرکت کرده‌ام اما بهترین خاطره‌ام از این مراسم‌ها مربوط به اولین بار و وقتی چهار ساله بودم است. یک روز با مادر و پدرم برای دیدن نمایش خیمه‌سوزی در روز عاشورا به میدان شهدا رفته بودیم که تأثیر عجیبی بر من گذاشت و خیلی برایم جالب بود و در ذهنم ماندگار شد. همان سال هم برای نخستین بار سعادت پیدا کردم که به کربلا و زیارت امام حسین (ع) بروم، هرچند پس از آن بارها سعادت رفتن به کربلا نصیبم شده است.

یک پسر قرآنی

مشوق من در موفقیت‌هایم بیش از همه مادرم بوده است که به بهترین شکل مرا حمایت می‌کند. استاد خاکپور، مربی حفظ قرآنم، هم در این راه مرا راهنمایی کرده‌اند که از آن‌ها ممنونم. خدا را شکر می‌کنم که دوستانم هم معمولاً مرا به عنوان پسری قرآنی و باادب می‌شناسند و دوست دارند که آن‌ها هم این راه را در پیش بگیرند. من هم به آن‌ها یادآوری می‌کنم اگر می‌خواهند حفظ قرآن را شروع کنند، چنانچه ابتدای کار، حفظشان زیاد خوب پیش نرفت، نگران نباشند زیرا پس از مدت کوتاهی، حفظ آیات کم‌کم برایشان راحت می‌شود.



مشهد ویک خاطره خوب

زائرها و مسافرها در کنار زیارت و دیدن جاهای دیدنی و خرید، خاطراتی را هم از شهر و مردم ما به شهر و دیار خود می‌برند. هیچ فکر کرده‌اید به عنوان همسایه‌ی کوچک امام رضا (ع) چه کارهایی می‌توانیم انجام دهیم تا خاطرات خوبی از شهر ما به جاهای دور و نزدیک ایران و دنیا برود؟



از حضور دیگران در شهرمان خوش حال باشیم
هر سال میلیون‌ها زائر مشتاق زیارت امام رضا (ع) به
شهر ما سفر می‌کنند. این رسم مهمان‌نوازی است
که از آمدن آن‌ها از صمیم دل خوش حال باشیم و
از ازدحام و شلوغی وسایل نقلیه و جمعیت گله و
شکایت نکنیم.



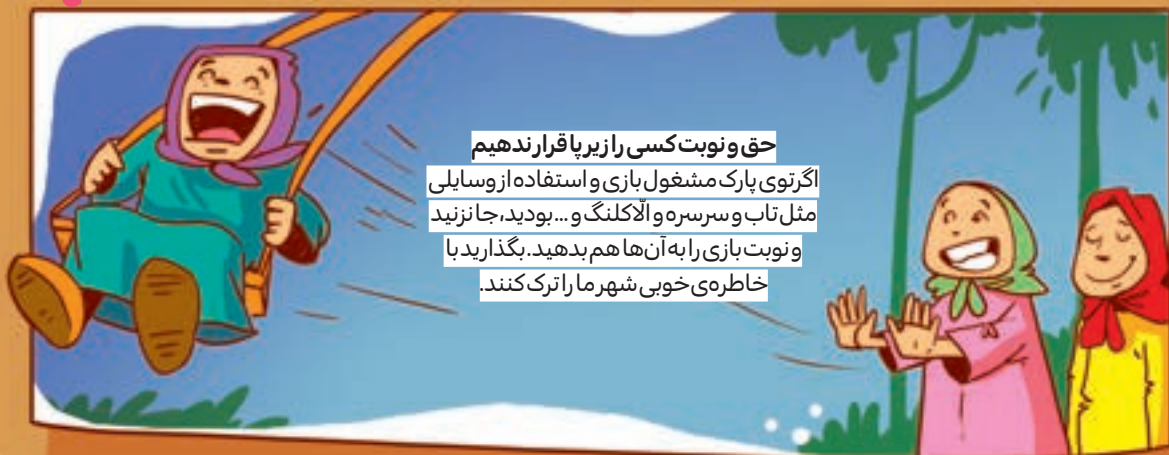
رفتار محترمانه داشته باشیم

در کوچه و خیابان، داخل مترو و اتوبوس یا در بازار، با زائر
امام رضا (ع) با ادب و احترام برخورد کنیم.

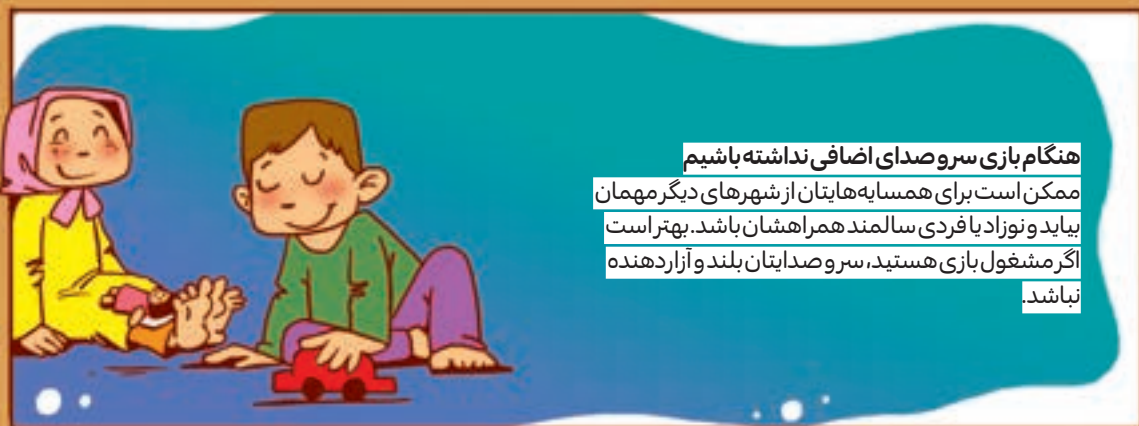


تمیزی نشانه‌ی انسانیت و دستور دین ماست
بارها خوانده و شنیده‌ایم که «رعایت بهداشت از
نشانه‌های ایمان است». پس سعی کنیم با رعایت
تمیزی و بهداشت، تفکیک زباله‌ی ترو خشک و
بیرون گذاشتن پلاستیک زباله سر ساعت، در زیبایی
شهرمان نقش پررنگی داشته باشیم.





حق و نوبت کسی را زیر پا قرار ندهیم
اگر توی پارک مشغول بازی و استفاده از وسایلی
مثل تاب و سرسره و الاکلنگ و... بودید، چانه زید
و نوبت بازی را به آنها هم بدهید. بگذارید با
خاطره‌ی خوبی شهر ما را ترک کنند.



هنگام بازی سروصدای اضافی نداشته باشیم
ممکن است برای همسایه‌هایتان از شهرهای دیگر مهمان
بیاید و نوزاد یا فردی سالمند همراهشان باشد. بهتر است
اگر مشغول بازی هستید، سروصدایتان بلند و آزاردهنده
نباشد.



مهربان تر باشیم

شهر ما شهر امام مهربان و ضامن آهوست.
همیشه با دیگران به ویژه زائران امام هشتم (ع)
رئوف و باگذشت باشیم. اگر هنگام سفر
درون شهری، در اتوبوس و مترو صندلی کافی
نبود، به سالمندان، مادران و کودکان لطف و
محبت کنیم تا جای ما بنشینند.



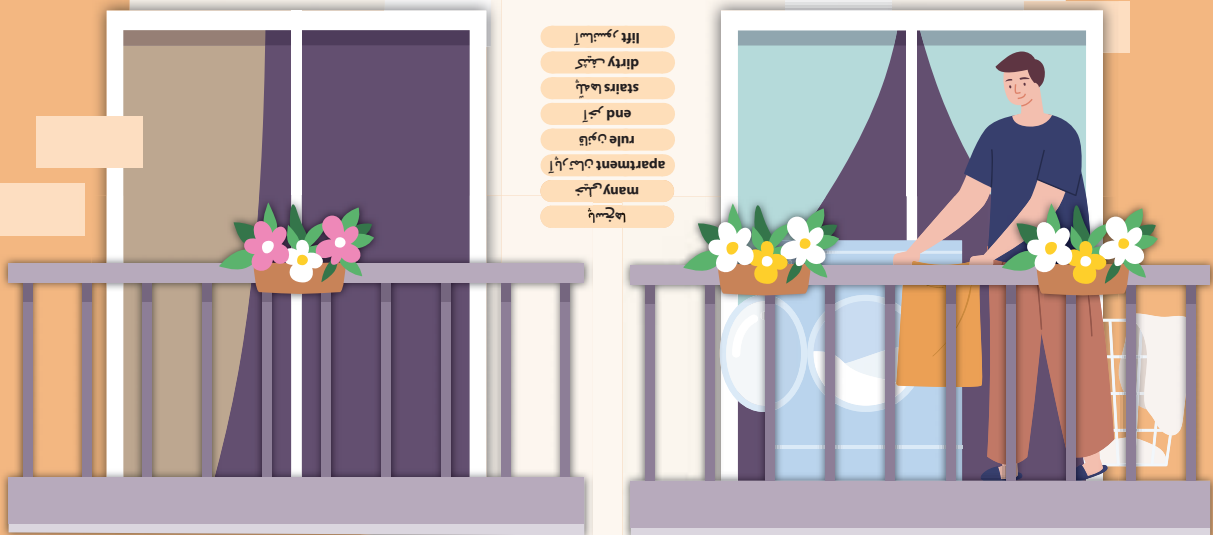
جدول انگلیسی:

زندگی آپارتمانی

خیلی از ما در **آپارتمان** زندگی می‌کنیم. زندگی آپارتمانی **قانون**‌هایی دارد. مثلاً **آخر** شب‌ها نباید با جاروبرقی کار کنیم یا اینکه نباید **پله‌ها** را **اکثیف** کنیم. باید مواظب باشیم که از **آسانسور** درست استفاده کنیم تا خراب نشود یا مهمانی‌های پرسروصدا نداشته باشیم. فکر می‌کنید دیگر چه کارهایی را نباید انجام دهیم؟ کلمه‌های مشخص شده را در جدول پیدا کن. راهنمایی: همه‌ی کلمه‌ها عمودی هستند.



A	A	T	H	I	L	B
N	P	O	T	G	I	I
M	A	G	E	O	T	L
A	R	E	N	S	D	L
N	T	R	D	T	I	H
Y	M	U	J	A	R	L
A	E	L	E	I	T	I
Y	N	E	M	R	Y	F
E	T	D	F	S	L	T





چی؟ چه طوری؟

کاغذهای چسبی

تا به حال فکر کرده اید که همه‌ی امکانات و تجهیزات پیشرفته‌ی امروزی که زندگی را برای ما راحت و آسان‌تر کرده است هر کدام برای خود فکر و تلاش و قهرمان چه طوری؟ به سراغ این خواندنی‌های جالب برویم.

حتما برای شما هم پیش آمده است که وقتی در حال مطالعه‌ی کتاب‌های درسی یا انجام تکالیف پژوهشی خود هستید، با استفاده از قلم و کاغذ، یادداشت برداری کنید. امروز می‌خواهیم درباره‌ی «کاغذهای چسبی» و داستان به وجود آمدن این کوچک با ارزش بگوییم.

در سال ۱۹۶۴، اسپنسر سیلور که مهندسی اهل آمریکا بود، چسبی ساخت که اصلا قدرت چسبندگی نداشت و خشک هم نمی‌شد. یعنی در یک کلمه، نمی‌شد هیچ چیز را با آن به خوبی چسباند. این مهندس شیمی با خود فکر کرد چنین چیزی در زندگی روزمره می‌تواند خیلی لازم باشد. برای همین، روی چسبش کار کرد و از طرفی، درباره‌ی این اختراع با مردم گفت و گو کرد. او سعی داشت دیگران را وادار کند به این چسب و کاربردهایش بیشتر فکر کنند. حدود ۱۰ سال بعد، فردی به نام آرت فری می‌خواست در یک سخنرانی دکلمه و سرودی را با استفاده از یک تکه کاغذ، به کتاب سرودنامه‌ی خود بچسباند و زیر چشمی به متن سرود چسبیده شده نگاه کند و آن تکه کاغذ نیفتد.

آرت فری ناگهان یاد اسپنسر سیلور و اختراعش افتاد و فوری از او کمک خواست. این‌طور بود که متن سرود را بی‌دردس و بدون اینکه کاغذ متنش به زمین بیفتد به کتاب چسباند. بعد هم راحت، آن را جدا کرد. این‌گونه بود که کاغذ چسب دار به وجود آمد و کم‌کم بین مردم شناخته شد.

